



در دفاع از مبارزات مردم دلاور خوزستان!

از نهم فروردین ۱۳۹۷، آتش مبارزه توده های محروم ایران که به طور سراسری در دیماه ۱۳۹۶ بر افروخته شد، یک بار دیگر در اهواز و برخی دیگر از شهرها و روستاهای خوزستان شعله ور گشته است. در روزهای نهم و دهم فروردین، شهرهای اهواز، آبادان، ماهشهر، حمیدیه، شیبان و کوت عبدالله شاهد تظاهرات توده های محروم و تحت ستم عرب بود. در کوت عبدالله واقع در جنوب شرقی اهواز که در تقسیم بندی های دولت، به شهر مستقلی تبدیل گشته و از سابقه مبارزاتی دلاورانه ای برخوردار است، تظاهرات به درگیری شدیدی بین توده های مبارز عرب و نیروهای سرکوبگر رژیم کشیده شد که طی آن مزدوران جمهوری اسلامی با پرتاب گاز اشک آور و به کارگیری دیگر وسایل جنگی به مقابله با این توده ها پرداختند.

آتش مبارزات توده های دلاور خوزستان هنگامی شعله ور شد که رژیم منفور جمهوری اسلامی که به شرایط ملتهد در خوزستان به خصوص با توجه به مبارزات دلاورانه کارگران هفت تپه و کارگران فولاد اهواز کاملاً واقف است، مبادرت به نشان دادن یک برنامه عرب ستیز از "صدا و سیمای جمهوری اسلامی" نمود. در همان حال آنها از طریق مزدوران خود به تحریک لر های بختیاری در خوزستان علیه خلق عرب دست زده و با توطئه ایجاد تفرقه بین خلق عرب و لر های بختیاری می کوشند توهین به خلق عرب و هویت زدائی ملی از آنها را به اسم لر های بختیاری پیش ببرند تا به این وسیله مبارزات توده های ستمدیده در این منطقه را در جهت حفظ وضع ظالمانه موجود به نفع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته داخلی به مسیری انحرافی سوق دهند.

اما، امروز (سه شنبه ۱۴ فروردین)، با وقوع حادثه آتش زدن عمدی قهوه خانه ای در اهواز در ساعت یک بامداد که گفته می شود اغلب، محل تجمع افراد مبارز و روشنفکر این شهر بود، آتش مبارزه توده ای در خوزستان شعله ور تر گشته است. به دنبال آتش زدن قهوه خانه مذکور (قهوه خانه نوارس واقع در بازار کیان اهواز که بنا به برخی گزارشات، عاملین حادثه پیش از آتش زدنش درهای آن را نیز بسته بودند) به گزارش خبرگزاری ها یازده تن کشته و تعداد دیگری مصدوم و در بیمارستان بستری شدند، پس از این اقدام ضد انقلابی که خاطره آتش زدن سینما رکس آبادان در سال ۱۳۵۷ توسط عمال ضد انقلابی را به یاد می آورد، توده های خشمگین و جان به لب رسیده اهواز بار دیگر به خیابانها ریختند. توده های انقلابی در حالی که شعارهایی علیه جمهوری اسلامی سر می دادند و از جمله فریاد می زدند که "اهواز بی قرار، فرزندان بی گنااهش را از دست داده"، به مقابله با نیروهای سرکوبگر پرداخته و موفق به آتش زدن یک ماشین نیروی انتظامی و به سزای اعمال خود رساندن یک عنصر کثیف اطلاعاتی شدند. به این وسیله توده های کارد به استخوان رسیده از مظلوم و فشارهای بی حد و حصر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، عمق خشم و نفرت خود از دژخیمان حاکم را به نمایش گذاردند.

اوج گیری مجدد آتش مبارزه توده ای در خوزستان این واقعیت مهم و هشدار دهنده به نیروهای روشنفکر جامعه را یادآوری می کند که جنبش توده ای سراسری دی ماه برای سرنگونی کل بساط استثمار و سرکوب جمهوری اسلامی، نه تنها همچنان زنده بوده و هر روز به دلیل و انگیزه ای سر بر می آورد، بلکه از پتانسیلی برخوردار است که به شرط یاری روشنفکرانی که به وظیفه خود در قبال توده ها در چنین شرایط حساسی واقفند می تواند سرنگونی و مرگ و نیستی برای این رژیم پوسیده رقم زده و آینده ای بس روشن برای همه خلقهای ایران به وجود آورد.

شرایط مادی حاکم بر زندگی توده های رنج‌دیده خوزستان و ابعاد فقر و محرومیت و ظلم و ستم و سرکوب سیستماتیک فاجعه بار تحمیل شده از سوی سرمایه داران حاکم و رژیمشان بر گرده های این دیار و همچنین تحقیر و توهین ملی ، شرایط محیط زیست ، ریز گردها و فضائی که نفس کشیدن را هم برای این توده ها غیر قابل تحمل کرده است ، اصلی ترین زمینه و دلایل خیزش مردم مبارز خوزستان می باشند. اما جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد خلقی اش از یک طرف با جریحه دار کردن آگاهانه احساسات ملی توده های ستمدیده عرب و از طرف دیگر تحریک محرومان و به خصوص لُرهای بختیاری در خوزستان علیه خلق عرب می کوشد با ایجاد تفرقه بین آنان حکومت خود را تداوم دهد. علیرغم این امر ، اتفاقاً یکی از نکاتی که در موج اعتراضات جدید توده های محروم عرب برجسته شد این بود که در جریان تظاهرات و در واکنش به سیاست های شوینستی آگاهانه و تفرقه افکنانه جمهوری اسلامی و وابستگیانش ، شعارهایی در این مضمون که ما عربها هم ایرانی هستیم و با دیگر خلقهای ایران متحدیم سر داده شد؛ و البته در این تظاهرات توده ای همچون هر تظاهرات توده ای دیگر شعارهای نادرست و ارتجاعی نظیر "ما عرب هستیم و مجوس نیستیم" علیه فارسها نیز شنیده شد.

شعارهای ارتجاعی ناسیونالیستی که مبلغ جدایی و تفرقه و علیه اتحاد و برادری بین توده های تحت ستم عرب و دیگر خلقهای ایران از لُر و کُرد و تُرک گرفته تا بلوچ و تُرکمن و فارس و... می باشند در واقع از طرف عمال ضد انقلابی مطرح و در دهان توده های ناآگاه گذاشته می شوند. در حالی که تمامی خلقهای تحت ستم ایران قریب به ۴۰ سال است توسط امپریالیسم و رژیم وابسته جمهوری اسلامی همزمان به طور سیستماتیک و وحشیانه غارت و سرکوب می شوند؛ و نیز مرتجعین حاکم در شرایطی ضمن سرکوب و تحقیر خلق عرب ایران برای جا انداختن شعارهای تفرقه افکنانه در جنبش اعتراضی به حق مردم خوزستان تلاش می کنند که با چشمان خود دیدند چگونه در خیزش انقلابی دی ماه توده های دلاور خلق عرب همگام با جنبش مردمی در سراسر کشور با شعارهای رادیکال "الشعب يريد اسقاط النظام" (خلق نابودی نظام حاکم را می خواهد) ، "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "مرگ بر دیکتاتور" ، "وای به روزی که مسلح شویم" (شعارهای سر داده شده در تظاهرات ۳۰ دسامبر در اهواز) آگاهی والای مبارزاتی خویش علیه دشمن مشترک همه خلقهای ایران را به منصفه ظهور رساندند و شهرهای خوزستان را در همبستگی با توده های تحت ستم دیگر ایران به صحنه یکی از پر شورترین مبارزات انقلابی برای سرنگونی رژیم تبهکار جمهوری اسلامی بدل نمودند.

عمال ضد انقلابی از یک طرف حتی گاه در پز مخالفت با جمهوری اسلامی به تحقیر خلقهای ایران و از جمله خلق عرب پرداخته و کار را به جانی می رسانند که در یک اقدام ملیت زدایانه شوینستی ، رسماً مثلاً به خلق عرب می گویند که شما عرب نیستید بلکه عرب زبان هستید، و از طرف دیگر تلاش می کنند هر جا که امکان یابند با رواج و جا انداختن تفکرات برتری طلبانه ناسیونالیستی ، سمت اصلی مبارزه متحدانه خلقهای تحت ستم ایران علیه مرتجعین حاکم را به کانالهای انحرافی و تفرقه افکنانه بیاندازند تا از آن برای تحقق اهداف شوم کوتاه مدت و دراز مدت خویش علیه کارگران و توده های تحت ستم سراسر ایران استفاده کنند. نیروهای مبارز و آگاه جامعه ، نظیر همین سیاست ضد خلقی جمهوری اسلامی را چند سال پیش در مورد خلق تُرک در آذربایجان نیز شاهد بودند و دیدند که چگونه دستگاه های تبلیغاتی جمهوری اسلامی با چاپ یک کاریکاتور نفرت انگیز و توهین آمیز علیه تُرک ها کوشیدند تا انرژی مبارزاتی توده های تحت ستم در آذربایجان را با کمک عناصر مشکوک و وابسته به نظام خویش به انحراف ببرند.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی باید به دست توانای کارگران و خلقهای تحت ستم در یک مبارزه متحدانه و انقلابی به جایگاهی که مستحق آن است یعنی زباله دان تاریخ پرتاب گردد. نیروهای آگاه و پیشروی جامعه (چه در داخل ایران و چه در خارج کشور) باید بدانند که اگر خواهان پایان دادن به فقر و بیکاری و ظلم و نابرابری و سرکوب و در هم شکستن دربهای زندان بزرگی هستند که جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش برای کارگران و زحمتکشان و توده های محروم و خلق های تحت ستم ما به وسعت ایران ساخته اند ، آنها می توانند و باید در این شرایط حساس با تشدید مبارزات خود ، با تبلیغ و ترویج نظرات درست و انقلابی در میان توده ها و طرح شعارهای تعرضی در میان آنان ، با کمک به توده ها جهت سازمانیابی و ایجاد تشکل های لازم برای پیشبرد مبارزه انقلابی در جامعه که بر اساس تجربه های گذشته و قانونمندی های جامعه ایران حتما باید شکل سیاسی - نظامی داشته باشد ، مبارزه توده های انقلابی و به پا خاسته ایران را در جهت رسیدن به آزادی و تحقق خواسته های توده ها رهنمون شوند.

دروود بر خلق دلاور عرب و همه توده های مبارز خوزستان که برای رهایی از ظلم و ستم، قهرمانانه مبارزه می کنند و می جنگند.

برقرار باد همبستگی مبارزاتی خلقهای تحت ستم ایران علیه حاکمیت امپریالیستی در کشور که جمهوری اسلامی نماد آن می باشد.
نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
پیروزباد انقلاب! زنده باد سوسیالیزم!

چریکهای فدائی خلق ایران

۱۴ فروردین ۱۳۹۷